



گزارش «ایران»
از وضعیتی که
خانواده تئاتر
در یک سال اخیر
تجربه کردند

شعله لرزان در روزگار طوفان

محسن بوالحسنی
خبرنگار

همان روزهای اول شیوع کرونا در جهان و اعلام آمار قربانیان و مبتلایان در آمریکا، سالن‌های تئاتر و سینما در این کشور و کشورهای اروپایی یک قفل بزرگ تعطیلی تا اطلاع ثانوی را بر درهای بزرگ خود دیدند و تئاتری‌ها و سینمایی‌ها همراه با بقیه مردم از ترس کرونا، وارد قرنطینه طولانی مدت خانگی شدند. همان زمان اندرو لوید وبر کارگردان تئاتر موزیکال و آهنگساز مشهور تئاتر بریتانیا برنده جایزه اسکار از ترس مردم حرف زد و اهمیت حفظ جان آنها و حفظ جان تئاتر، در کنار و به موازات هم. لوید وبر مصاحبه‌ای کرد و گفت: «سالن‌ها را باز کنید ما هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهیم. ما دست‌ها را تمیز نگه می‌داریم، درها را استریل می‌کنیم، همه چیزها را با دقت پاکیزه می‌کنیم. ما باید سالن‌ها را بازگشایی کنیم. بعضی‌ها با پول کمی که برای‌شان باقی مانده، به تئاتر نیازمند هستند.» اما این اتفاق نیفتاد و سالن‌ها و مراکز نمایشی مهمی مثل سالن کارنگی، سالن متروپولیتن، اپرا موزه هنر متروپولیتن و سالن‌های تئاتر برادوی تعطیل شدند و پیترب گلب مدیرکل اپرای موزه هنر متروپولیتن در مصاحبه‌ای از ضرر بیش از یک میلیون دلاری هنر تئاتر آمریکا در همان ماه‌های اول خبر داد و در حالی که تأثیر اقتصادی برادوی در نیمه اول سال گذشته میلادی چیزی بالغ بر هشتویک میلیارد دلار بود؛ حالا زیربار میلیون‌ها دلار ضرر شانه‌سنگین می‌کرد.

سال سخت تماشاخانه‌ها

چندین ماه بعد از قرنطینه سراسری یعنی در خردادماه، سالن‌های نمایش در کشورهای مختلف با شرط و شرایطی و قوانینی جدید بازگشایی شدند اگرچه طبق آماریک پژوهش رسمی، در نگاهی کلی به سالن‌ها و مراکز بزرگ

تئاتر، ۶۷ درصد از میزان تماشاگران تئاتر کم شده بود و این حاصل تعطیلی بالاچار سالن‌های نمایش در انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، هلند و باقی کشورهای اروپایی بود. این وضعیت در کشور ما هم تجربه شد و سالن‌های خصوصی اولین مراکزی بودند که روزه‌روز آسیب‌های مالی بیشتری را متحمل شدند و تا امروز که یک سال از شیوع ویروس کرونا در کشور می‌گذرد، آنها به گفته خودشان نتوانسته‌اند از پس جبران این ضررها بریایند و در نهایت برخی‌شان تعطیل و برخی‌شان هم خوش‌بین به کمک‌هایی هستند که قرار است روزه‌امیدی برایشان باشد. شاهین چگینی مدیرتماشاخانه

“

زمانه ضرورت‌های خود را به ما تحمیل می‌کند و راهکارهای منحصر به فردش را هم پیش پای ما می‌گذارد. به نظر من تمامی این شیوه‌های نوینی که در دوران کرونا آزمایش خود را پس دادند، می‌توانند در دوران پسا کرونا هم ادامه پیدا کنند

استاد مشایخی در گفت‌وگو با «ایران» این یک سال را، تلخ‌ترین سال برای تئاتر، تئاتری‌ها و البته مراکز خصوصی یا همان تماشاخانه‌های تئاتر می‌داند. اومی گوید: «طبیعی است که وضعیت، وضعیت بسامانی نبود و اتفاقی بود که برای همه به یک شکل افتاد و همه را درگیر مشکلاتی کرد اما تماشاخانه‌های خصوصی به دلیل موقعیت اقتصادی‌شان و عنوان خصوصی بودنشان، تلخی‌های بسیاری متحمل شدند که حدیثی

گریخته، اجراهایش را با تأخیر و تعویق روبه‌رو کرد. نمایش «آگوست در اوسپج کانتی» و «لبخند باشکوه آقای گیل» دو نمایشی بودند که شهرستانی روی صحنه برد و دومی، بعد از تعویق و تعطیلی، حالا تا اول اسفند در سنگلج روی صحنه است. کارگردان «لبخند باشکوه آقای گیل» در گفت‌وگو با «ایران»، تجربه یک سال زندگی و کار در وضعیت کرونا را این‌طور تشریح می‌کند: «برای من تئاتر از نان شب هم واجب‌تر است؛ چرا که جامعه بی‌فرهنگ، بی‌زبان و بی‌هنرش معنی نمی‌شود و محکوم به نابودی است. حتی در شرایط کرونا نمی‌شود دست روی دست گذاشت و بی‌اعتنا منتظر بود. اصلاً منتظر چه چیز باید بود؟ شاید این فرصتی که در ذهن دنبالش می‌گردیم هرگز به وجود نیاید پس به نظر من در همین روزگار سخت هم، باید کار کرد تا چراغ تئاتر خاموش نماند. اگر این پدیده پلشت انسان‌ساز که نفس‌مان را تنگ کرده، را به هر دلیلی نشود به این زودی مهار کرد اما با رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌شود دست‌کم کنترلش کرد.» او برای این روشن نگه داشتن چراغ تئاتر در کشور هم پیشنهادی دارد و می‌گوید: «در این اوضاع نابسامان، تا جای ممکن می‌توان این اوضاع را با ابداعات و خلق شیوه‌هایی بدیع مدیریت کرد و این هنر را زنده نگاه داشت. بی‌تردید یکی از آنها تله تئاترهایی است که مخاطب را در خانه نگاه می‌دارد تا جایگزین سریال‌های بی‌مایه و بی‌خاصیت تلویزیونی شود. دیگر اینکه ضبط حرفه‌ای از نمایش‌هایی است که به صحنه رفته و در شبکه‌های مجازی فرصت این وجود خواهد داشت تا به نمایش درآیند. مهم‌تر از همه حمایت بی‌منت دولت از هنرمندان این عرصه است که وظیفه هر دولت مشروعی است.»

است مکرر که درباره‌اش حرف‌های بسیاری زده شده است.» چگینی، مشکل اصلی را نبود صنف مشخص در حوزه‌ها و زیرشاخه‌های مختلف تئاتر می‌داند و معتقد است اگر چنین صنفی به صورت منسجم و درست و اصولی وجود داشت شاید بخشی از مشکلات حل می‌شد.» او به لزوم کمک‌های خارج از پروسه‌های اداری سفت و سخت به تماشاخانه‌های هنرمندان هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «این کمک‌ها روزه‌امید ما برای ادامه حیات هستند و اگر واهی قرار است پرداخت شود تا مسئول یک تماشاخانه یا یک هنرمند با آن بخشی از مشکلاتش را حل کند، نباید درگیر مدار پروسه‌های اداری و ضامن‌های بسیار و... گیر کند.»

تئاتر نان شب ما است

در این دوران بعضی‌ها مخالف هرگونه بازگشایی و فعالیت دوباره سالن‌های تئاتر بودند و برخی هم می‌گفتند باید خود را با شرایط وفق داد چون هیچ معلوم نیست که این وضعیت تا کی ادامه داشته باشد و تعطیلی سالن‌ها و... جز لطمه به تئاتر، نتیجه دیگری ندارد. طیف دوم می‌گفتند بهتر است از بسترهای موجود مثل پلتفرم‌های اینترنتی استفاده کرد؛ امکانی که میکائیل شهرستانی در گفت‌وگو با «ایران» به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «تجربه نشان داد که این امکانات می‌تواند درست استفاده شود و بهره‌های بسیار داشته باشد. نکته اساسی اینجاست که زمانه ضرورت‌های خود را به ما تحمیل می‌کند و راهکارهای منحصر به فردش را هم پیش پای ما می‌گذارد. به نظر من تمامی این شیوه‌های نوینی که در دوران کرونا آزمایش خود را پس دادند، می‌توانند در دوران پسا کرونا هم ادامه پیدا کنند.» میکائیل شهرستانی هم البته خودش در این یک سال، دست روی دست گذاشت؛ اگر چه تعطیلی‌های جسته و

